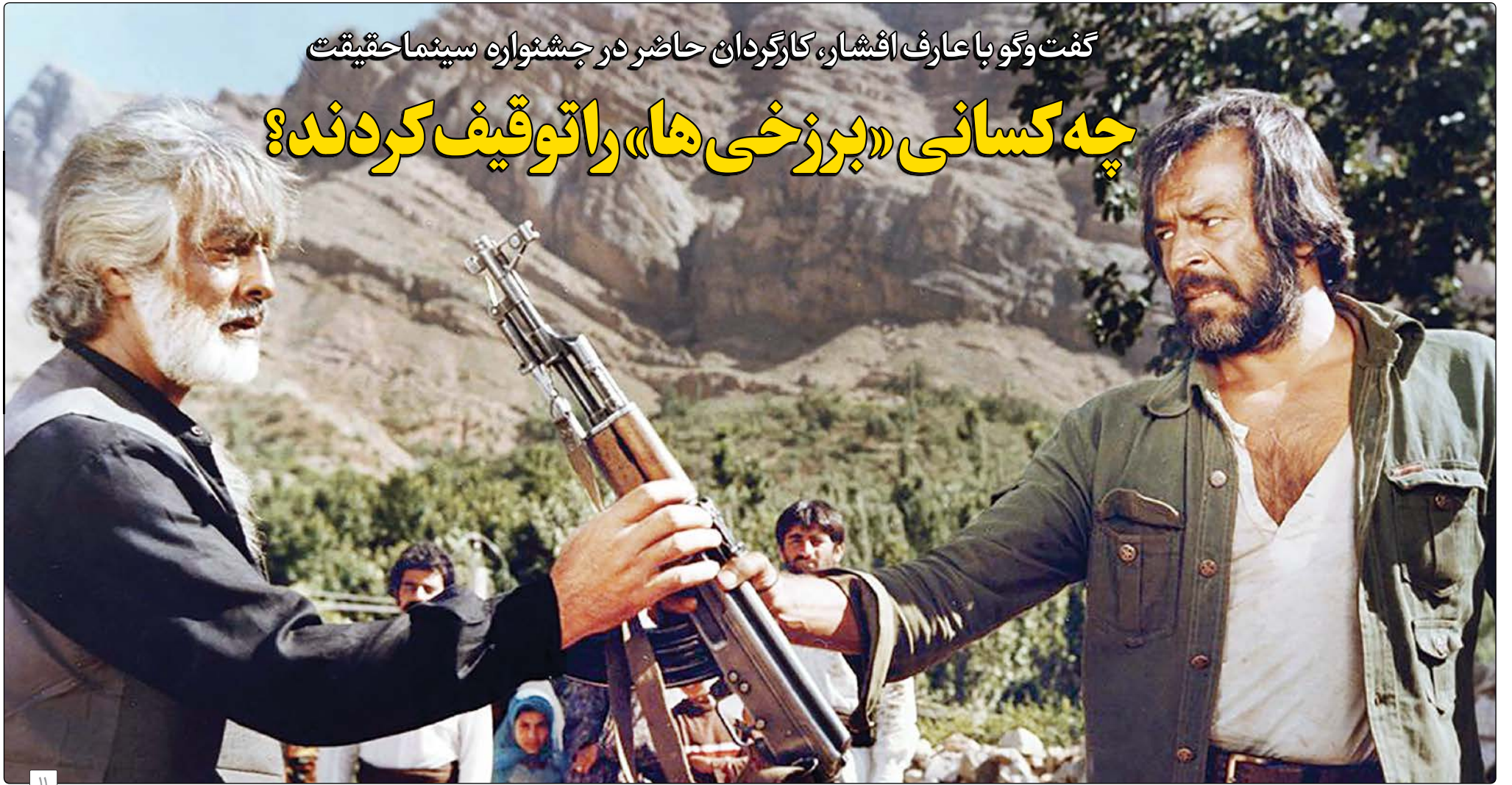


گفت و گو با عارف افشار، کارگردان حاضر در جشنواره سینماحقیقت چه کسانی «برزخی‌ها» را توقیف کردند؟



رسانه
نگاهی به عملکرد آنتن
در روزهای جام جهانی
جادوی جام سیمیا



سبک زندگی
مهارت اجتماعی
تک فرزندها
کم‌رنگ‌تر می‌شود



«جام جم» در گفت و گو با تهیه‌کننده «تهرانگرد» بررسی کرد سرکشی به ناشناخته‌های پایتخت

به بهانه روز جهانی حقوق بشر

آنها فقط مشتی برده سیاه بودند!

سفر
۱۰

رسانه
۶

تولید محتوا بر اساس دغدغه‌های مردم

طرح مشکلات جامعه در برخی برنامه‌های تلویزیونی خوب است ولی اگر طرح این مسائل به سمت پاسخگویی دقیق و آگاهانه ایجاد آن برود و از آنها درخواست شود که برای حل مشکل، برنامه زمانی ارائه دهند خیلی بهتر است. زمانی بود که برای اجرای برخی پروژه‌های شهری، روزنامه‌ها نصب می‌کردند که هر از چند گاهی مدت‌ها بر یک عدد خاص ثابت می‌ماند ولی بالاخره تلاشی بود برای پاسخگو کردن مسئولان و آگاهی‌داده به شهروندان درباره حق و حقوق آنها. الان در تلویزیون برنامه‌های مختلفی داریم که طرح مسأله می‌کنند و گاهی مسئولی را روی آنتن می‌آورند تا پاسخگو مشکل باشد و اغلب اوقات مسئولان نیز از حل مسأله در آینده نزدیک سخن می‌گویند ولی کم پیش می‌آید دقیقاً بگویند تا چه زمانی مشکل حل می‌شود. اگر برنامه‌های تلویزیونی خودمان قضایی ایجاد کنند که مدیران دقیقاً بیایند و درباره مشکلات توضیح دهند و دلیل آن را بگویند و برنامه زمانی برای حل آن را ارائه کنند، هم بر میزان مخاطبان تلویزیون افزوده می‌شود و هم در کلیت حل مشکل تاثیرگذار خواهد بود.

در سریال‌های تلویزیونی هم می‌شود به چنین سوزنه‌هایی پرداخت ولی در سریال فقط می‌شود طرح مسأله کرد و پیشنهاد داد برای حل مسأله و حتی با مسئولان شوخی کرد اما نمی‌توان آن پاسخگویی را که در برنامه گفت و گو محور هست در سریال ایجاد کرد. البته جنس سریال و نوع مخاطب آن با جنس برنامه‌های گفت و گو محور و نوع مخاطب آن تفاوت دارد و گاهی یک سریال بسیار بیشتر از یک برنامه مخاطب دارد و برعکس. در کلیت امر و در بسیاری از محتواهای سرگرم‌کننده تلویزیون اگر سعی کنیم هرچه بیشتر به سمت تولید محتوا براساس دغدغه‌های مردم برویم و خواسته‌های آنها را ملاک تولید محتوا کنیم، بسیار بیشتر از زمانی که براساس سوزنه‌های فاقد روزآمدی، سریال یا برنامه می‌سازیم، مخاطب خواهیم داشت.



احمد میرحسان
پژوهشگر و مستندساز

دشنام و تهمت به عالمان دینی در عصر جدید از خشم علیه بیدارگری میرزای شیرازی در جنبش تحریم تنباکو شروع شد و در ادامه و در دوران مشروطه به اقدام شیخ فضل... نوری، بازوی درس آموخته میرزای شیرازی ختم شد و از آن پس این روش، دشنام و توهین با سرکوب و کشتار روحانیون انقلابی، شجاع و مقاوم برابر ظلم داخلی و خارجی ادامه یافت. همواره ستارگان استقلال طلبی و عدالت خواهی به پیشرفت ایران و جهان اسلام و آزادی‌شان سرنوشت شهادت را برای آنان رقم زد. این سرنوشت با مقدمه دشنام‌گویی، توهین و هتایت شروع شد. برجستگی که در این مسیر به چراغ‌های روشن هدایت و افشای رفتار خونسخت‌بار شیطان مدرن علیه دین‌پروران ربانی بدل شده‌اند، اسوه‌هایی هستند که پشت سرشان خیل عالمان مبارز قرار دارد که همواره در معرض فحاشی، آزار، تبعید و شهادت بوده‌اند. در دوران جدید این فحاشی‌ها و توهین‌ها ریشه در بیدارگری میرزای بزرگ، مرجع نامدار شیعیان جهان و مواضع ضدسلطه به مداخله قدرت‌های جهان ایشان دارد که گواه راه حق و شهادی غیرمقتول است. امروز خطر برای بازماندگان خونی هر مجدد و ولی فقیه انقلابی به وسیله قضاوت فکری وجود دارد. تنها بندگی خالص و سلوک قلبی و عقلی و وفاداری به ولی فقیه، راه‌هایی از دست شیاطین جنی و انسی و اغوی فکری آنان بوده است.

نقش بیدارگرانه ولی فقیه

گسترش نقش بیدارگرانه ولی فقیه است که علت دشنام، توهین، آزار و قتل عالمان ربانی را شکل داده است. جدا از اختلافات فتوایی عالمان بزرگ همچون سید جلال‌الدین اسدآبادی و رفتار پیشه کردن ارتباط با حاکمان جهان و نصیحت و گفت‌وگو با استعمارگران و حاکمان قاجار که از آن پیشمانی شد، باید گفت حضور و ایستادگی همه عالمان دین‌محور با هر عقیده‌ای، سبب اصلی کینه‌مستکبران جهان علیه فقهای اسلام بوده است. در این نوشته قصد دارم به دشنام‌شناسی از منظر قرآن و اهل بیت در بستر تاریخ و دشنام به رهبران دینی بپردازم اما پیش از هر مقدمه‌ای مایلم درباره ریشه‌های انزجار کفر و فساد و خودباختگی از عالم فقیه مبارز و سرپرست و پیشوای انقلابی علیه سلطه و امتیازطلبی اجتناب‌ناپذیر کافر در عصر جدید

دشنام‌شناسی و دشمن‌شناسی

میرزای شیرازی در برابر غرب اندیشی



بنویسم. همان‌طور که گفتیم ولی فقیه بیدارگر و آغازگر جنبش بزرگ اسلام علیه کفر استعمارگر میرزای شیرازی، مرجع شیعیان جهان در عصر ناصرالدین شاه بود. اقدام انقلابی او در مقام ولی فقیه که سبب خشم و کینه استعمارگران سرسپردگان و خودباختگان داخلی‌شان شد همان تحریم تنباکو یا فتوای میرزای بزرگ است. این کینه چنان گسترده بوده که پس از حدود ۱۷۰ سال همچنان در دستور چاکران کفرپیشه و روشنفکر و رهبران نظام کفر و استعمارگر جهانی قرار دارد. حتی در مشهورترین آثاری که غربگرایان جدید لیبرال‌مآب ما به آن فخر می‌فروشند، مانند کتاب «مشروطه ایرانی» نوشته ماشاء... آجودانی، تحریفی آشکار، تصویری مبتذل و توجیحات نامنصفانه و کینه‌توزانه‌ای از عمل میرزای شیرازی صورت گرفته است. همین نقش ولی فقیه عصر ناصری در به‌راه انداختن و آغازگری گام نخست انقلاب و بیداری جهانی مسلمانان علیه استبداد و استعمار در عصر جدید بوده که امروز کینه‌های دشمنان اسلام و توحید علیه مقام ولایت را برانگیخته و عمل فحاشی را به اجراء آورده‌اند. پس به

حذف نقش میرزا محمد شیرازی

حتی کسانی مانند کسروی که به نقش میرزا محمد حسن شیرازی در مقام «آغازگر بیداری در توده ایران» اعتراف کرده‌اند، جایی در خور به گزارش جنبش میرزا محمد شیرازی اختصاص ندادند. ویژگی همه

تاریخ‌نگاری در دوران مشروطه، اعتراف به نقش آغازگر میرزای بزرگ است و در عین حال گذر سریع از آن. کاستی تحلیل و بررسی نشدن در خور معنای این قیام، ویژگی تاریخ‌نگاری از کسروی تا ملک‌زاده و ... است. گزارش کسروی یک تا دو صفحه را شامل می‌شود که همه آن را نقل می‌کنم تا مشاهده شود در گزارش کوتاه او چقدر در ناتمام و ناهم‌اندان حقیقت این بیدارگری که تاریخ جدید ایران را رقم زد، کوتاهی به خرج داده شده است: «در سال‌های واپسین پادشاهی ناصرالدین شاه امتیازهایی به بیگانگان داده شد. نخست در زمان سپهسالار، امتیاز خط راه‌آهن بوشر تا گیلان به انگلیسی‌ها داده شد که می‌بایست آن را از لغزش‌های سپهسالار برشمرد. این امتیاز به کار بسته نشد و پس از ۱۰ سال و اندی پس گرفته شد. سال ۱۲۶۷ اما ناصرالدین شاه امتیازهای دیگری داد که شناخته‌شده‌ترین آنها امتیاز توتون و تنباکو بود. مردم زبان اینها را نمی‌دانستند ولی از آنجا که پای بیگانگان به کشور باز شد و اروپاییان در ایران فراوان بودند، مردم به ویژه ملایان به رنجش و گله برداختند و همین دیده آنها را بازکرد و سایه جنبش ایستادگی، امتیاز توتون و تنباکو از میان رفت. این امتیاز، زبان فراوانی را متوجه ایران کرد؛ زیرا فروش توتون و تنباکو کشور به یک انگلیسی‌سپرده می‌شد، درازای این که سالانه ۱۵ هزار لیره به دولت بپردازد. این در حالی بود که در عثمانی توتون و تنباکو کمتر از ایران باشد تنها فروش درون کشور به یک کمیته‌ای واگذار شده بود، در برابر آن که سالانه ۲۰۰ هزار لیره به دولت عثمانی بپردازد. ببینید جدایی‌یافته تا به کجاست...؟ مردم این میثاق رانمی‌دانستند ولی از آن که بیگانگان یا به درون کشور می‌گذاشتند، بیمناک می‌بودند. برایشان سنگین می‌افتاد توتون و تنباکو که می‌کارند را با یک قیمت کمی به یک بیگانه بفروشند پس با بهای زیادی خریداری کنند. گیرنده امتیاز یک نفر بود ولی در لندن یک شرکتی برای آن برپا شد و از بهار سال ۱۲۷۰ (۱۳۰۸) کارکنان زن در ایران به کار پرداختند. از گام نخست مردم ناخشنودی کردند و به بازگاز به میانجیگری امین‌الدوله به نامه‌ها نوشته و دادخواهی کردند ولی از آنجا که شاه و امین‌السلطان خودشان امتیاز را داده و هوادار آن بودند، نتیجه‌ای از دادخواهی دیده نشد. از سوی دیگر، چون کارکنان کمیته‌ای به کار پرداخته بودند ناخشنودی فزون‌تر شد و کم‌کم رویه جنبش به خودگرفت.



با فونکس متن کامل گزارش را کپی کنید

روژه‌ای از عطر یاس پیهشت

محمدحسین حدادپور برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	مهدی رسولی برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	حاج منصور ارشانی برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	حامد زمانی و عبدالرضا هالی برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	نوریان بنی‌ها برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	سید امیر حسینی برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	میثم مطیعی برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	حسین طاهری برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید	حاج محمدرضا طاهری برای شنیدن این روژه کپی‌کد زیر را اسکن کنید
--	--	--	--	---	--	--	--	---